

نگاهی به فیلم «مصلحت»

آنجا که معنا باری بر دوش فیلم می‌شود



گروه فرهنگی – روبا سلیمی: صحبت در مورد تاریخ و به فضولات نشستن آن، از نگاه و دانش عمیقی ناشی می‌شود که با تحلیل همراه است. تحلیل غلل و عواملی که رخداد تاریخی را می‌سازد و تاثیر آن بر جامعه از موضوعات جذاب و همراهی‌برانگیزی است که مخاطب نسبت به آن بی تفاوت نخواهد بود. روایت اتفاقاتی که در دل روزهای ملتپ انقلاب رخ داده است، از منظر سینمایی قابلیت ارائه درامی با زیرگونه‌های سیاسی، تاریخی را فراهم می‌سازد. این قابلیت چند سالی است مورد توجه سینماگران جوانی قرار گرفته که از این ظرفیت برای رجوع دوباره به تاریخ بهره برده‌اند. یکی از جذابیت‌هایی که بیش از پیش مورد توجه قرار گرفته، بازسازی و دقت در ارائه تصویری واقعی به لحاظ بصری و مایه‌زای تاریخی است. اولین ساخته حسین دارابی، در زمره این فیلم‌ها قرار می‌گیرد. فیلمی که سعی دارد به‌موضوع خود و غیرخودی در فضای دوقطبی اوایل انقلاب بپردازد. اما «مصلحت» بیش از آنکه فیلمی سیاسی

بوا رو بکرد تاریخ اجتماعی و عدل‌تمحور باشد، تبدیل به ملودرامی سیاست‌زده می‌شود. فیلم قصد دارد نوری به اتفاقی خاص از تاریخ انقلاب بتاباند و پیرامون آن داستان خود را تعریف کند. اما حرفی که فیلم ادعا می‌کند و قصد دارد آن را به شیوه‌های مختلف مطرح کند، پیش از تون قصه است و بنابراین به شکل الکن و نارسایی مطرح می‌شود. لحن الکن فیلم در بیان حرفی که قصد بیان آن را دارد، به دلایل مختلف نقض غرض می‌شود.

یکی از این دلایل، پنهان کردن اطلاعات و جا به جا شدن قهرمان و ضد قهرمان در فیلمنامه است. نیروهای انقلابی که قصد برخورد با سهم‌خواهان گروه‌های مخالف را دارند، تبدیل می‌شوند به مجرمینی بزدل و تندرو که با اشتباهی، از تمامی خنخ و ربط ایدئولوژیک خود دست کشیده و فرار را بر قرار ترجیح می‌دهند. اینجاست که قهرمانان اصلی همان سهم‌خواهان بازمانده از رژیم سابق هستند که حالا باید حکم بر بخشش صادر کنند.

بازیگر سریال گیلدخت:

اگر حذفیات «گیلدخت» نبود اسماعیل جذاب‌تر می‌شد

مردم خیلی ارتباط برقرار کرده بودند تاکید کرد: می‌دانم اسماعیل سریال گیلدخت خیلی خیلی بیشتر از این می‌توانست مشرئ‌نم‌ر باشد.

کاراکتر اسماعیل را در فیلمنامه آقای آسودگان به زیبایی نوشته‌اند.

اکبرپور افزود: الان میدان دادن به نیروهای جوان خیلی سخت شده است. واقعا کار کردن برای کسانی که ناشناس هستند خیلی مشکل شده است، چا دارد از آقای آسودگان و شقیعی و اسماعیلی خیلی تشکر کنم بابت این موقعیتی که ایجاد شد و من توانستم این کاراکتر را زندگی کنم.

وی با بیان این که اسماعیل برای من کاراکتر خیلی جذابی بود اظهار داشت: اتفاقات فیزیکی زیادی هم برای من افتاد. در یکی از پلان‌ها پنج تا ز دنده‌های شکست و ستون مهره‌هام آسیب دید. اما برایم شیرین بود. نتیجه کار در کل برای من شیرین بود. من همیشه به این فکر می‌کنم که ما چه کار می‌توانیم بکنیم که کارمان بهتر شود؟ اگر ما قرار است صد باشیم

حیف است که به ۵۰ و ۶۰ راضی بشویم. اکبرپور در پاسخ به این سوال که چگونه به این نقش نزدیک شدید توضیح داد: چون کاراکتر اسماعیل به صد سال قبل برمی‌گشت خواندن کتاب‌های تاریخی، فکسر کردن به افسرادی که در آن برهه زندگی می‌کردند موثر بود. من راجع به به افرادی که میرشکار بودند

اسماعیل جاری بود در فیلمنامه خیلی بیشتر

از آنچه بود که ما در اجرا دیدیم. این موضوع به سلیقه گروه کارگردانی برمی‌گشت و به هر حال تصمیمشان این طور بود. وقتی الان کلی به کار نگاه می‌کنم حذفیات تاثیراتی را گذاشته است. گاهی اوقات شما می‌بینید که کشیدن یک اجر از یک دیوار به هر حال آن دیوار را می‌تواند متزلزل کند. این اتفاق در مورد حذف شدن برخی از کاراکترها افتاد. بازیگر سریال حوالی پاییز افزود: به عنوان مثال کاراکتری که اسماعیل را در جنگل پیدا می‌کرد کاراکتری بود که گالیئش بود و ما اصلا درباره آن نشانمانه داریم. من با یکی از بچه‌های اجتماع صحبت کردم. گفت اینها یک قومی هستند و راجع به آن یک توضیحات مفصلی داد.

ساده‌ترین سوالی که از من پرسیدند این بود که وقتی که اسماعیل پیدا شد، ما به این فکر می‌کردیم که او چطور می‌خواهد اسماعیل را بلند کند؟، در صورتی که در فیلمنامه این نبود، در فیلمنامه می‌دیدید که گالیئش می‌رود و بعد با موجهه‌ها یا آصف می‌پردازد و یک اتفاق‌های اینطوری می‌افتد. این‌ها حذف شد. همین ذره ذره حذف شدن‌ها روی کار تاثیر می‌گذارد. البته من مباحثات می‌کنم که می‌گویم ذره ذره. وی با اشاره به این که در سریال «حوالی پاییز» کاراکتری را بازی کرده که با آن هم

بسیار و روایتی بر آب و تساب از عدم رعایت قانون و جلب همراهی مخاطب با خانواده مقتول، به یک باره همه چیز را نادیده گرفته و به مخاطب یادآوری می‌کند که آنچه گفتم، فریبی بیش نبود و حالا آنچه رخ می‌دهد می‌تواند حرف من باشد. حرفی که پس گرفته شده و در ادامه نیز قاضی از همه جا بی خبر، فرزندش را به چوبه دار می‌سپارد و تاکید می‌کند که آزادی فرزندش به دست او نیست.

فیلم سعی دارد از اتفاق و مفهومی حرف بزند که راه رفتن روی لبه تیغ خط قرمز محسوب شود و از آنجا خوراک اصلی درامش را تغذیه کند. اما عملا مخاطب را با سوالاتی جدی روبرو می‌کند. اینکه اگر در نهایت در لحظات آخر، قاضی با تماسی ناشنا متوجه گناه‌کار بودن فرزندش نمی‌شد، عدالت و مفهوم خودی و غیرخودی کجای داستان «مصلحت» قرار می‌گرفت؟ احتمالی که بعد از روبرو شدن با چوبه دار، مادر مقتول بر آن تاکید می‌کند و آن را باورنکردنی می‌شمارد. احتمالی ضعیف و غیرمنطقی که فیلم آن را دستمایه روایت خود قرار داده است.

نکته دیگر در مورد بازی با مفهوم «مصلحت» است. دارابی در روایت خود از افرادی صحبت می‌کند که مصلحت خود و جامعه را با تندروی‌ها همراه کرده و برای پا گذاشتن بر حق دیگران، ایدئولوژی حاکم را دست‌نویزی برای انتقام جویی از عقده‌های شخصی خود می‌دانند. در اینجا مشخصا صحبت از مدیرانی میانی می‌شود که قدرت و نفوذ بلامنازع آنها می‌تواند حق و ناحق را جا به جا کرده و به نام مصلحت به کام خود انتقام‌جویی کنند. که البته در اینجا هم حساب آنها را از دیگران جدا می‌کند و به‌سه وقتش آنها را از بازی قدرت کنار می‌گذارد تا پیام اخلاقی فیلم هم در جای خود گفته شود.

در آخر تاکید بسیار فیلم بر بی گناهی مقتولی است که در آن برهه زمانی و حال حاضر، جرمش محرز بوده و علیه انقلاب و سسران آن دست به آشوب و تحریک افکار عمومی زده است. نوع توجه به اتفاق رخ داده شبیه به برخورد با فردی عادی و بی گناه است. در حالی که نزاع خیابانی و درگیری میان نیروهای انقلابی و مخالفان آن هم در شرایط اوایل انقلاب، بروز چنین اتفاقاتی را محتمل و برخورد با عوامل مخرب را برای حفظ نظام و انقلاب لازم و ضروری دانسته می‌شد. اما ضرورت این برخورد و آرام کردن فضای سیاسی و اجتماعی جامعه، از وظایف شخصیت اصلی کنار گذاشته می‌شود و او که تا دیروز به عنوان شخصیتی انقلابی به برخورد با نیروهای مخالف به فعالیت جدی و مستمر می‌پرداخته، اما تبدیل به قاتلی می‌شود که در انتظار حکم قصاص روزهای آخر عمر خود را طی می‌کند. عدم تفکیک میان مناسبات سیاسی اجتماعی شخصیت‌ها و برخورد با آنها در سیستم قضایی فارغ از این ویژگی مهم آنها، نکته دیگری است که فیلم را از درامی سیاسی به ملودرامی اجتماعی و خانوادگی تبدیل می‌کند که دو خانواده مقتول و قاتل باید بر سر رضایت و عدم رضایت و نجات جان قاتل تلاش کنند. درواقع می‌شود گفت قامت فیلم کوتاه‌تر از آن است که بتواند بر روایت‌ها و کلان روایت‌های اتفاقات اوایل انقلاب نوری بتاباند و در نهایت با چند ترند شارژه، قافیه را به ملودرام خانوادگی می‌بازد.



گاهی صحبت‌های تلفنی ما به ۲ ساعت هم می‌رسید.

اکبرپور درباره برداشتی که از کاراکتر اسماعیل داشت توضیح داد: اسماعیل را آدم استوار و خیلی محکمی دیدم که در بخشی از سریال عشق زمینی برای او به وجود می‌آید، ایسن نکته را به آقای آسودگان هم گفتم در وسط کار اسماعیل از عشقش عبور می‌کند و به یک اتفاق بزرگتری که جلوگیری از یک ظلم بزرگ است، می‌رسد.

چیزی که باور دارد.

وی درباره صحنه‌های عاشقانه‌اش در برابر گلنار گفت: تمام سعیم بر این بود که لحظات مشترکی که با هم داشتیم، حجب و حیایی که عکس‌های قدیمی را دیدم و با آقای آسودگان درباره کاراکتر صحبت و مشورت می‌کردم.

حامد جوادزاده :

اولویت «صداتو» سرگرمی است

انتخاب‌هایمان محدودیت داشتیم.

در برخی موارد افراد متخصص که کمک‌کننده هستند دچار اشتباه می‌شوند. این اشتباهات به وجه هنری آن‌ها در ارتباط با تخصصی دارند آسیب نمی‌زند؟

اشتباهات جزوی از بازی هستند و باید بگویم که «صداتو» یک برنامه تخصصی موسیقی نیست و بیش از هر چیز یک برنامه معمایی است. نمی‌توان نظرات را با تخصصات مربوط دانست و گفت افرادی که تخصصی در موسیقی دارند نباید هیچ اشتباهی مرتکب شوند. تخصص هیچکس زیر سوال نمی‌رود، حتی در بخش‌هایی به عنوان مثال محسن شریفیان بازی می‌کند، وقتی همه می‌گویند فلان اجراکننده خواننده این نیست ناگهان او نظر مخالف می‌دهد تا بازی شکل بگیرد و این نشان‌دهنده شعور محسن شریفیان است که به بازی فکر می‌کند و می‌داند که نباید برنامه خشک و بی‌روح باشد، به نظر من او رهاترین اجرای خود را در «صداتو» دارد و خیلی مسلط و شیرین کارش را انجام داده است و بسیاری از متخصصان بر این نکته تاکید داشتند که در بین کمک‌کننده‌ها محسن شریفیان را از همه بیشتر دوست دارند. تنشی که برای تصمیم‌گیری‌ها به وجود می‌آید و اظهارنظرهای متضاد به برنامه هیجان می‌دهد و جنبه سرگرم‌کننده بودن آن را افزایش می‌دهد.

در برخی صحنه‌ها به نظر می‌رسد که راگورد اجراکننده‌ها حفظ نشده است، آیا همه آنچه که در «صداتو» دیده می‌شود با یک برداشت ضبط شده و همه چیز واقعی است؟

همه آنچه که در این برنامه می‌بینید واقعی است اما اجرای اجراکننده‌ها را پس از اینکه برنامه تمام شد دوباره ضبط کردیم تا بتوانیم با دوربین‌های مختلف این اجرا را داشته باشیم. در برخی موارد اگر راگوردی حفظ نشده است دلایلش

اخبار کوتاه

مدیرعامل کانون:

هدف اصلی ما افزایش نرخ مطالعه

در کودکان و نوجوانان است

مدیرعامل کانون پرورش فکری در مراسم ارسال ۳میلیون جلد کتاب به مراکز کانون در سراسر ایران، با اشاره به این‌که تا به امروز ۳هزار عنوان کتاب در کانون تولید شده است، افزود: مجموع کتابخانه‌های کلسون در قالب مراکز فرهنگی هنری به بیش از ۴۰هکتار در ۳۱ استان به شکل ثابت رسیده است و به این مراکز، واحدهای سیار روستایی و عشایری را نیز باید اضافه کرد. علامتی همچنین گفت: البته این ۳هزار جلد کتاب را باید به ۲۱هزار عنوان کتاب کودک و نوجوان که پیش از این در سراسر کشور تولید شده بودند افزود. ما ۹میلیون جلد کتاب در کتابخانه‌هایمان داریم و با این فرایند ارسال و اهدای کتاب این عدد امروز به ۱۲میلیون جلد کتاب خواهد رسید. در واقع ما تاکنون برای هر دو دانش آموز یک کتاب داشتیم و امروز این عدد را به یک و سه دهم خواهیم رساند که موفقیتی برای ما محسوب می‌شود. هدف اصلی کانون افزایش نرخ مطالعه در میان دانش‌آموزان، کودکان و نوجوانان است. هیچ مجموعه‌ای همانند کانون نداریم که برای کودک و نوجوان به این شکل و با این قدمت کار کند. او در ادامه سخنان خود نیز اظهار کرد: جمع‌بندی کارشناسان ما این است که برای افزایش نرخ مطالعه در بین کودکان و نوجوانان راهی نداریم جز این که ابتدا مطالعه بین والدین افزایش یابد که اگر اینطور باشد حتماً به کودک و نوجوان نیز منتقل خواهد شد و از همین رو از ابتدای اسسال بحث خانواده را نیز به شکل جدی در سبد فعالیت‌های فرهنگی خود قرار دادیم.

علامتی با بیان این‌که کانون اهداف مهمی در حوزه تقویت و پرورش نویسندگان و شعرا در نسل جدید دارد، عنوان کرد: تقویت حس پژوهش‌گری جزو اهداف اصلی کانون است که از بستر کتاب سرچشمه می‌گیرد و اتفاق می‌افتد. تقویت نویسندگی یکی دیگر از اهداف کانون است که مدیریت مرکز آفرینش‌های ادبی و هنری کانون این امر را برعهده گرفته است. ما انجمن‌های شعر و کشف نیز داریم که با قوت در سراسر کشور فعالیت می‌کنند. خوشبختانه سطح توان خوانش در کودکان نسبت به سطح عمومی دانش‌آموزان بسیار بالاست و ما در کانون خوانش متون کهن را نیز در دست‌ساز کار قرار دادیم و جالب است بدانید بحث خوانش متون کهن در کانون مورد استقبال کودکان و نسل جدید قرار گرفته است.

مدیرعامل کانون گفت: آنچه که امروز در حال وقوع است، آغاز فرایند اهدا و ارسال ۳میلیون جلد کتاب به بیش از هزار مرکز فرهنگی هنری کانون است. ما از سال گذشته این کار را شروع کردیم و تا امروز ۱۵۰ عنوان کتاب چاپ اولی داریم که متعلق به کانون هستند و امروز به مراکز کانون نیز ارسال می‌شوند. علاوه بر این، ۳۵۰ عنوان کتاب نیز تجدید چاپ داشتیم که به فروشگاه‌های کانون ارسال می‌شوند.

«بازمانده ۲» ساخته می‌شود

فیلم سینمایی «بازمانده ۲» به تهیه‌کنندگی منوچهر محمدی و با حمایت بنیاد سینمایی فارابی ساخته می‌شود. به گزارش ایرنا، فیلم سینمایی بازمانده برای نخستین بار در سال ۱۳۷۳ به تهیه‌کنندگی منوچهر محمدی و کارگردانی سیفالله داد ساخته شد. این فیلم به موضوع نزاع اعراب و اسرائیل پرداخته بود. سیفالله داد فیلمنامه اثر اثر را بر اساس داستانی از نسلان کنگانی نویسنده فلسطینی به نام «بازگشت به حیفا» نوشته بود و موضوع آن به سال ۱۹۴۸ و تشکیل کشور اسرائیل و حکومت آن در شهر حیفا بازمی‌گردد.

حالا بعد از ۲۹ سال بار دیگر منوچهر محمدی با مشارکت بنیاد سینمایی فارابی در حال پیش تولید فیلم سینمایی «بازمانده ۲» است. بنا بر شنیده‌های خبرنگار ایرنا فیلمنامه اثر در مرحله نهایی است و به زودی قرار است عوامل آن از جمله کارگردان و بازیگران مشخص شود. این فیلم نیز در ادامه احیای موضوع فلسطین در سینما که چندی پیش مورد توجه مدیران فرهنگی قرار گرفته ساخته خواهد شد و در ادامه «بازمانده ۱» به موضوع سوریه و اسرائیل می‌پردازد.

ازادت شاعران عرب به امیرالمومنین (ع)

در مستند «راز ناقوس»

مستند «راز ناقوس» به تهیه‌کنندگی و کارگردانی ناصر نسادری و با روایت سیدمهراد ضیایی یکشنبه ۱۸ تیرماه حوالی ساعت ۲۲ از شبکه پنج سیما روانه آنتن می‌شود. به گزارش روابط عمومی شبکه پنج، این مستند ۴۰ دقیقه‌ای به شهر زحله در لبنان؛ عروس خاورمیانه سفر می‌کند و در گفت‌وگو با شاعران این شهر ضمن نشان دادن بخشی از فرهنگ مردم ساکن در این منطقه و تصویر کردن قاب‌هایی زیبا از شهر زحله به ازادت این شاعران به امیرالمومنین (ع) نیز می‌پردازد.

شهر زحله در لبنان همواره مورد توجه شاعران عرب بوده و در مستند فوق نیز ضمن خواندن بخشی از اشعار یاد شده با شعرائی گفت‌وگو می‌شود که با هر تفکری دینی و تمرکز بر شخصیت ویژه حضرت علی (ع) در وصف آن حضرت شعر سروده‌اند. مستند راز ناقوس را یکشنبه حوالی ساعت ۲۲ از شبکه تهران سیما بیننده باشید.

غولی که از مرگ گریخت



«ماریو وارگاس یوسا» نویسنده ۸۷ ساله برنده نوبل اهل کشور پرو، پس از دومین ابتلا به ویروس کرونا از بیمارستان مرخص شد.

به گزارش ایسنا به نقل از اسپانان اسپانیا، «آلوارو وارگاس یوسا» فرزند این نویسنده در صفحه اجتماعی خود از مرخص شدن پدرش از بیمارستان مادرید پس از بهبودی اعلام ابتلا به کووید-۱۹ خبر داد. این دومین بار در ۱۵ ماه اخیر است که این نویسنده مطرح به ویروس کرونا مبتلا می‌شود. «یوسا» که در سال ۱۹۳۶ در پرو متولد شده، بازمانده نسل طلایی غول‌های ادبی آمریکای لاتین است، که در سال ۱۹۹۳ تابعیت اسپانیا را گرفت. او در حالی به خاطر ترسیم واقفیت‌های اجتماعی تحسین شده است که در محافل روشنفکری آمریکای لاتین به خاطر مواضع محافظه‌کارانه‌اش اغلب مورد انتقاد قرار می‌گیرد. «یوسا» یکی از چهره‌های نسل درخشانی است که شامل چهره‌های بزرگی چون «گابریل گارسیا ماکر» و «خولویو تارسار» می‌شود. «ماریو وارگاس یوسا» متولد ۲۸ مارس ۱۹۳۶ است و از مهم‌ترین آثار او میثاق به «سال‌های سگی» (۱۹۶۶)، «جنگ آخرالزمان» (۱۹۸۴)، «مرگ در آند» (۱۹۹۶) و «سوروز بز» (۲۰۰۲) و همچنین «سردسته‌ها»، «گفت‌وگو در کاتدرال»، «زندگی واقعی آلخاندرو مایا»، «در سنتشای نامادری»، «راه بهشت»، «جزا ادبیات» و «دوشیزه خانم تاکنا» اشاره کرد. «یوسا» در سال ۲۰۰۸ نشان عالی هنر و ادبیات فرانسه را دریافت کرد، او که جایزه ادبی «ن کیشتوت» در کارنامه افتخاراتش به چشم می‌خورد، در سال ۱۹۹۵ توانست جایزه سروانتس، مهمترین جایزه ادبی نویسندگان اسپانیولیزبان را از آن خود کند و همچنین در سال ۱۹۹۶ برنده جایزه صلح آلم شد. او روز هفتم اکتبر سال ۲۰۱۰ در حالی برنده جایزه نوبل ادبیات شد که حدود ۲۰ سال به عنوان یکی از کاندیداهای این جایزه پرافتخار شناخته می‌شد.

خانه نمایش دا میزبان مراسم قطع دست

نمایش مراسم قطع دست در اسپوکن آخرین اثر مارتین مک دونا با کارگردانی حامد خسروی و تهیه‌کنندگی رهاضاهایی، در ۱۳ تیرماه در تهران به روی صحنه رفته است، به گزارش ایرنا خسروی که بیشتر در تهران ساخته شده مرده اثر یون فونس کارگردان نروژی را کارگردانی کرده، در دومین کارگردانی خود نمایشنامه‌ای از مارتین مک دونا را به روی صحنه برده است. مراسم قطع دست در اسپوکن - A Behanding in Spokane یک کمدی سیاه نوشته مارتین مک‌دونا، نمایشنامه‌نویس انگلیسی است. این نمایش‌نامه در سال ۲۰۱۰ منتشر شد و در همین سال در تئاتر جرالد شوئفلر در برادوی به اجرا درآمد. مراسم قطع دست در اسپوکن نخستین بار در سال ۲۰۱۰ در برادوی اجرا شد. در این نمایش و در تهران، سیامک ادیب، مهدی شاهي، سحر باقرآبادی و حامد خسروی ایفای نقش می‌کنند. سیاه تیزبازه به عنوان دستیار کارگردان، مینا برزن طراح لباس، نگار معلم مدیر صحنه، اسماعیل نیکفر مدیر تولید، ژئال مرادیل‌لاکه طراح گرجه، رضا جلودی عکاس، آریا آرمان مهر و پریسا مولانی دستیاران صحنه، نسیم زند گرافیست و امیر خزانده به عنوان مدیر روابط عمومی و تبلیغات دیگر عوامل این نمایش هستند.

این نمایش با حمایت خانه نمایش دا به روی صحنه رفته است و تا ۲۷ تیر ماه ادامه دارد.